

@QudsKhorasan

پیام مردم

حلولایی هست. به این دلیل که کار شوهرش خوب نبود، مجبور شدن به روستای حلولایی بیان و خانهای اجاره کتن که متأسفانه هر دو روز یک بار زباله‌ها را می آیند و جمع میکنند. کوجه‌ها پر از زباله هست و هنوز یک ماه نیست که بچه‌ها صورتشان زخم شده. مگه مردم اونجا جزو مردم این کشور نیستن؟ یک مسیر طولانی رو باید پیاده بری تا برسی به اتوبوس، توی گرما و سرما یک ساعت باید پیاده بری. مگر این مردم چه گناهی کردن که نباید از کمترین امکانات برخوردار باشند؟ لطف کتن مسئولین یک سر تا این روستا بروند ببینن میتونن زندگی کنند؟

■ سلام، من کارگر کارخانه آجر در مشهد هستم. ۲۳ سال سابقه بیمه دارم. چهار تا بچه دارم و پایین شهر زندگی میکنم. دختر بزرگم دانشجو هستش بچه کوچیکم ۹ ماه داره. توی سر بچه کوچیکم کیست هست. باید عمل بشه. واقعاً نمیدونم چکار کنم با این هزینه‌ها. دنبال وام میرم و وام نمیدن میگن پول توی حساب باید باشه. اگه پول داشتم دنبال وام نبودم.

■ سلام، وقتون به خیر، لطفاً این پیام من رو بذارید توی کانالتون تا شاید مسئولی ببینه و فکری برای ما هم بکنه. چرا طرح یسنا فقط به نوزادان ۱۴۰۵ اتعلق گرفته؟ توی این گروهی باید همه بچه‌های زیر دوسال رو شامل میشد. مگه من مادر نیستم؟ مگه بچه من پوشک و شیرخشک مصرف نمیکنه؟ این چه طور حمایت از جوانی جمعیته؟ طرح یسنا (همون ۵۰۰تومن) حتی توی دوران بارداری به من تعلق نگرفت. باز بچه که به دنیا اومد چند بار شارژ شد. الانم که اونو قطع کردن. به جای اینکه ما رو حمایت کتن، دهمکومن بعد از تولد بچه‌مون تغییر دادن از سه به چهار رسیدیم، میترسیم اعتراض بزیم همین شندرغام قطع کتن.

■ سلام خدمت مسئولین محترم، چرا توی حق مردم نامردی میکنید؟ از زمانی که دهک‌ها رو تغییر دادید، یک سال میگذره. گفتن اعتراض کنید، کردیم. چرا فرقی نکرد؟ من زیر پوشش بهزیستی ام دهک سه بودم که ما رو کردن دهک هشت. با دو تا بچه مدرسه‌ای چرا باید دهک هشت باشم؟ هر ماه باید ترس داشته باشم از اینکه یارانه رو هم قطع کتن. چرا آخه؟ خواهشمندم دهک‌بندی رو درست کنید. ■ سلام، خسته نباشید، الان که دهک‌های یک تا سه قاره دو برابر بشه، یارانه‌شون نوش جوشنون. ماها که مثلاً دهک چهار شدیم نه خونه داریم نه ماشین. زن و مرد کنار هم کار میکنیم حقوقمون به ۳۰ تومن نمیره. شدیم دهک چهار. صاحبخونه‌ما که خونه داره دو طبقه و همسر و فرزندش کار میکنن، کرایه میگيرند، چرا دهک سه هستند؟ فقط چون خونه‌شون قولنامه‌ای هست؟ این چه عدالتیه؟ مگه گناه ماها چیه؟ چقدر بدو بدو کنیم؟

■ چندساله درمحله علی آباد زندگی میکنیم و امتیاز برق نداریم. الان گفتند ۵۰ میلیون باید واریز کنیم برای برق. مردم این منطقه ضعیف هستند و پول ندارند. لطفاً به گوش مسئولین برسونید. ممنون.

پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۰ مشهد به گلایه مخاطب طوس در خصوص خرابی و چاله‌های موجود در خیابان‌های امامیه۷

با سلام و احترام، ضمن تشکر از دغدغه مخاطب روزنامه طوس، طبق درخواست شهروند محترم، همه چاله‌های خطری در آدرس مذکور اصلاح شد.

■ سلام، وقت به خیر، ساکن شهرستان فریمان هستم. بعد از دو سال وام فرزندآوری اسمم درآمده برای بانک ملی شعبه میدان امام رضا(ع). حالا که رفتم مدارکم پردم برای ضامن، اذیت میکنن. میگن بازنشسته باید سنش زیر ۶۰ سال باشه. میگن قسط معوق داره چون ضامن کسی شده قسطش رو نداده، نمیتونه ضامن بشه. میگم نامه کسر از حقوق میدن بهش. شما به اقساط معوق چی کار دارین؟ گفتم دو تا بازنشسته دارم که بالای ۶۰سال هستن، میارم باز هم قبول نکردن. گفتم خود وام گیرنده سند مغازه و ماشین بیاره پشتوانه بذاره، بازم قبول نکردن میگن کاسب بیار. میبرم میگن چک برگشتی داره. خب بگین از کجا ببرم؟ کسی نیست دیگه از کجا پیدا کنم؟ میگن خوب نگیرین وام. پس چرا دولت میگه وام فرزندآوری میدیم؟ برای رهن خونه موندن که میخوام بگیرم. صدای من به کجا باید برسه که حرفم رو بشنون و کارم رو راه بندازن؟ خدایی انصافه بالاتر از اینکه خودمم سند میدم؟ پیگیری کنین خیلی فرصت ندارم. باز بهانه میارن که نوبتت سوخته

■ به اون‌هایی که مسئول شناسنامه‌های بچه‌های مادر ایرانی هستند بگید زودتر این شناسنامه رو بدهند. این چه وضعشه؟ تکلیف این بچه‌های ما چیه؟ دخترامون که مجرد هستن و پسرا هم بدون کار درست حسابی. پسرم با موتورکی که قسطی براش خریدم کار میکرد و چند روز پیش عذرش را خواستند، چون چند وقتی بود با اسم شوهرخواهرم کار میکرد و بازرس بهش گفت دیگه نمیتونی کار کنی به اسم یکی دیگه. فکری برای بچه‌های ما بکنید. این طوری جوانیشون تباه میشه. چند ساله اقدام کردیم. پس کی میخواندن شناسنامه بدهند؟

■ واقعاً این چه اوضاعیه که کسی کاری برای معیشت مردم نمیکنه؟ آخه کمر ما قشر ضعیف زیر بار این گرونی‌ها شکست. کی میخواند نظارت کتن؟ مسئولین کجا یید؟ روی یک پوشک بچه قیمت خورده ۳۵۰ هزار تومن ولی مغازه‌دار ۸۵۰ هزار تومن میفروشه. کجا بریم بگیم تا حرف ما رو گوش کتن؟ دیگه کم آوردیم.

■ با توجه به اینکه در شرایط جنگی قرار داریم و با دشمن وحشی مثل آمریکا روبه‌رو هستیم که به بچه‌ها هم رحم نمیکنه، چه اصراری به حضوری بودن مدارس هست؟ اگر حادثهای مثل میناب دوباره پیش بیاد، چه کسی جوابگو هست؟ به هر حال هر چیزی رو باید پیش‌بینی کتن. لطفاً پیگیری کنید که در صورت ادامه شرایط جنگی مدارس غیر حضوری باشه. با غیر حضوری بودن مدارس هیچ مشکلی پیش نیمايد، ولی اتفاقی مثل میناب بعید نیست هر لحظه پیش بیاد.

■ سلام، مگه دولت نگفته یارانه همه دهک‌های زیر پوشش واریز شد؟ پس چرا یارانه ما که دهک هفتم هستیم، واریز نشد این ماه؟ واقعاً فکری واسه دهک‌بندی بشه چیزی نداریم که دهکمون بشه هفت و اونم واریز نشه.

■ سلام و عرض ادب، میخواستم بگم حرف من رو به مسئولین برسونید. چند شب پیش در محله‌ما دعوی خانوادگی اتفاق افتاد و امشب دختر من از ترس، لکنت زبون گرفت. دعوی خانوادگی از ساعت ۸ شب با فحاشی و زد و خورد شروع شد. ما همه همسایه‌ها بیشتر از ۳۰ بار تماس گرفتیم و مأمورین ساعت ۱۱ اومدن. با اون همه خسارتی که به بار آوردن واقعاً متأسفم. سیاس از شما که پیام ما رو به گوش مسئولان میرسونید.

■ سلام، محل زندگی دخترم گلشهر روستای

گزارش میدانی طوس از جاده‌ای که هر ساله پناه قدم‌های زائران رضوی در مسیر مشهد-نیشابور است

پیاده تا مشهد؛ قصه دلدادگان امام مهربانی‌ها



علی اکبر شیشه‌چی

کرامتی می‌روم، او که با مادر و دو نفر از اقوامش دل به جاده زده، درباره تجربه پیاده‌روی خودمی‌گوید: دوروز است در راه هستیم. این نخستین بار است برای پیاده‌روی به مناسبت شهادت امام رضا(ع) به مشهد می‌آیم. قبل از این هم برای زیارت امام رضا(ع) آمده بودم؛ اما این بهترین تجربه من است. نازنین زهرا محمدحسنی، نوجوان شانزده ساله‌ای که با مادرش در این مسیر، امیرعلی و مادرش را همراهی می‌کند، درباره تفاوت پیاده‌روی اربعین و این پیاده‌روی اظهار می‌کند: این پیاده‌روی خوب است؛ اما پیاده‌روی اربعین چیز دیگری است. مادر نازنین زهرا درباره حضورشان برای نخستین بار در این پیاده‌روی می‌گوید: حضرت آقا امسال ما را طلبیدند تا برای زیارتشان به مشهد بیاییم. زیارت ایشان هم لیاقت می‌خواهد و ما افتخار می‌کنیم که چنین آقاوموایی داشتیم. مطمئن باشید به یمن قدم آقای شهید ایران در مشهد، از امسال به بعد پیاده‌روی شهادت امام رضا(ع) پررنگ‌تر از گذشته خواهد شد.

در این مسیر دلدادگی به حضرت شمس‌الشمس (ع) زائران سختی‌هایی را به‌جان می‌خرند که در زندگی روزمره برایشان خیلی سخت‌تر به‌نظر می‌رسید. در این راستا امیرحسین عباس نژاد که فرزند چهار ماهه‌اش را از باغچه‌تاه کیلومتری مشهد در آغوش گرفته، نظرم را به خود جلب می‌کند. او که با همسر، خواهر و دیگر خانم‌های فامیل از بندرعباس آمده، نخستین سال است در پیاده‌روی شهادت امام رُغوف (ع) شرکت می‌کند.

آقای عباس نژاد با اشاره به اینکه همسر و خواهرانش مشوق حضور او در این مسیر بودند، بیان می‌کند: آن‌ها به من گفتند این پیاده‌روی هم مانند پیاده‌روی اربعین است. من هم برای اینکه تا به حال به کرمان نرفته بودم، آمدم تا در این پیاده‌روی شرکت کنم و ببینم حرکت در این مسیر چه حس و حالی دارد.

در مسیر، پیرمرد تبریزی را می‌بینم که ویلچر همسرش را هل می‌دهد. وقتی از سختی مسیر با این وضعیت می‌گویم، لبخند می‌زند و می‌گوید: پیاده‌روی در این مسیر سخت نیست. گویی هر سختی در مسیر رسیدن به ضامن آهو حضرت انیس‌النفوس (ع) ناگهان هیچ می‌شود و احلی من العسل است. در کنار همه این زیبایی‌های مسیر، شاید دلشکستگی که به‌امام خود پناهونده شده‌اند، بیش از همه به پای‌های تن که با پای دل به این مسیر عاشقی قدم گذاشته‌اند.

مریم دهقان، دختر جوانی است از همان دلشکستگان که با کاروانی از مه‌ولات آمده و پیاده‌روی را از رباط سنگ آغاز کرده‌است. او که نخستین پیاده‌روی در مسیر دلدادگی به امام رُغوف (ع) را تجربه می‌کند، درباره علت حضورش اظهار می‌کند: امسال خیلی دلشکسته بودم و تنها امیدم امام رضا(ع) بود. حاجتی داشتم و نذر کردم که به این پیاده‌روی بیایم. ۶ ماه است نتوانسته بودم به مشهد بیایم. الحمدلله قسمت شد تا برای سالروز شهادت امام رضا(ع) خودم را به مشهد برسانم.

و حالا هرچه به مشهد نزدیک‌تر می‌شویم، گویی خستگی از قدم‌های زائران فاصله می‌گیرد و جای خود را به شوقی می‌دهد که وصفش آسان نیست؛ شوق رسیدن به پنج‌ره فولاد، به صحن‌های حرم مطهر و به آغوش امن امامی که هزاران دل، حاجت و دل‌تنگی را با خود تا مشهد آورده‌اند.

پس از نوجوانان، حضور بانوان از گوشه‌گوشه ایران به چشم می‌خورد. مریم عوض ایسینی با چادر بندری از دور هم نشان می‌دهد از بندرعباس آمده‌است. او که همراه دوستانش از ملک‌آباد پیاده‌روی را آغاز کرده، نخستین بار است که پا در این مسیر می‌گذارد. مریم با بیان اینکه سومین سالی است که دوستانم در این پیاده‌روی شرکت می‌کنند، می‌گوید: می‌خواستم به پیاده‌روی اربعین بروم. دوستانم گفتند بی‌تا حرم مطهر امام رضا(ع) پیاده برویم، تفاوتی ندارد. به همین خاطر با آن‌راه‌ای این مسیر شدم. پیش از اینکه به این سفر بیایم، ناراحت بودم و از وقتی پیاده‌روی را شروع کردم، به برکت امام رضا(ع) آرام‌تر شدم. طاهره قلی‌پور هم از فریدونکنار با کاروان بیش از ۳۰ نفره از باغچه نیشابور پیاده‌روی را آغاز کرده‌است. او می‌گوید: هشت سال است این مسیر را طی می‌کنیم. قبلاً از سمت قوچان پیاده‌روی را آغاز می‌کردیم و اکنون سه‌سال است از سمت نیشابور می‌آییم. او با بیان اینکه سلامتی و فرج امام زمان (عج) و پیروزی اسلام و مسلمانان کل جهان؛ به ویژه ایران را از امام رضا(ع) می‌خواهیم، خاطرنشان می‌کند: امسال با پرچم ایران در این مسیر قدم گذاشتیم تا وحدت همه ایرانی‌ها را زیر سایه این پرچم نشان دهیم. در این پیاده‌روی معنوی برخی همراه با خانواده شرکت کرده‌اند، مانند مهدی حسنی؛ پدر یک خانواده پنج‌نفره کرمانی با دو پسر و یک دختر و همسرش از ۳۵ کیلومتری مشهد (روستای ملک‌آباد) پیاده‌روی را آغاز کرده‌است. خودش برای نخستین بار پا در این مسیر عاشقی گذاشته؛ اما خانواده‌اش سومین بار است.

آقای حسنی درباره اینکه چه چیزی سبب شد با خانواده به این سفر معنوی بیاید، می‌گوید: خانواده به من گفتند پیاده‌روی در این مسیر هم مانند پیاده‌روی اربعین در عراق است و این موضوع موجب شد امسال با آن‌ها پیاده به مشهد بیایم. او تفاوت پیاده‌روی در این مسیر را عشق به رهبر شهید ایران می‌داند و بیان می‌کند: امسال به نیت آقای شهید راهی شده‌ایم. زائران دیگری نیز به نیت آقای شهید ایران و زیارت مزار قائد امت، پا در این مسیر گذاشته‌اند و این را می‌توان در کلام و عکس‌هایی که از آقای شهید ایران در دست دارند، متوجه شد.

برخی نیز بدون آنکه عکسی از رهبر شهید ایران در دست داشته باشند، در دلشان داغدار امام خود و خواهان انتقام خون پاک ایشان هستند.

یگانه‌فرنمایی، بانوی جوانی از زاهدان، همراه همسر و اقوام همسرش پا در این مسیر گذاشته‌است. او که از باغچه پیاده‌روی را آغاز کرده، نخستین بار است پیاده‌روی طریق الرضا(ع) را تجربه می‌کند. همسرانشان اما دومین سال است که در این پیاده‌روی حضور پیدامی‌کنند.

فاطمه خانم یکی از همسفران اواسط و درباره زیبایی‌های این مسیر می‌گوید: هرچقدر پیاده‌روی سخت و سنگینی وسایل اذیت‌کننده باشد؛ اما حرکت در این مسیر به انسان آرامش می‌دهد. آن‌قدر حس و حال خوبی در این مسیر داریم که متوجه نمی‌شویم چگونه به مشهد می‌رسیم.

اودر باره تفاوت پیاده‌روی امسال نسبت به سال گذشته بیان می‌کند: در قدیمی که برمی‌دارم، برای گرفتن انتقام خون آقای شهید ایران است و با این حس انتقام پیاده‌روی می‌کنم.

در ادامه، به سراغ امیرعلی شمسایی مطلق، نوجوان دوازده‌ساله

فریده خسروی | ماه صفر به آخرین روزهای خود نزدیک می‌شود و صدای پای زائران امام مهربانی‌ها از جاده‌های منتهی به مشهد الرضا(ع) به گوش می‌رسد؛ زائرانی که از دور و نزدیک دل‌هایشان را به مشبک‌های پنجره فولاد حرم مطهر عالم آل محمد(ع) گره زده‌اند و پا در این مسیر عاشقی گذاشته‌اند تا در روز شهادت حضرت شمس‌الشمس (ع) خودشان را به مشهد برس‌اند و با امام خود تجدید عهد کنند.

برای همنفس شدن با گام‌های زائران رضوی، به جاده قدیم مشهد-نیشابور می‌روم تا قصه‌های حضور زائران را از زبان خودشان بشنوم. در این جاده کاروان‌های خانوادگی و کوچک و بزرگی را می‌بینم که اغلب جوان و نوجوان هستند. جنگ تحمیلی و شهادت امام خامنه‌ای (ره) این مسیر را متفاوت‌تر از سال‌های گذشته کرده‌است. برخی از این کاروان‌ها با پرچم‌های سرخ خونخواهی رهبر شهید انقلاب، پا به این مسیر عاشقی گذاشته‌اند. بعضی نیز پرچم ایران را در دست دارند. موکب‌ها هم با نصب عکس شهدای جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان و نصب پرچم‌های سرخ خونخواهی و پرچم ایران، حال و هوای متفاوتی را در این جاده رقم زده‌اند.

خدمت در این مسیر رنگ و بوی متفاوتی دارد؛ برخی کفش زائران را واکس می‌زنند و تمیز می‌کنند، دختران و پسران نوجوان و کودک نیز در حال خادمی در جاده و موکب‌ها هستند و میان زائران رضوی آب و شربت توزیع می‌کنند، بعضی از نوجوانان نیز در کنار بزرگ‌ترها در موکب‌ها در پخت غذا